Assunded [əstaundid] adj. زخمی

اگر شما شگفت زده شدید، شما بسیار شگفت زده شده اید.

→ من شگفت زده شدم که مونیکا رقابت هنر را به دست آورد.

صفت

ویژگی [ætribjuːt] n. صفت

یک ویژگی مشخصه یک فرد یا چیزی است.

→ او بسیار هوشمندانه نیست، اما او برخی از ویژگی های مثبت دیگر را دارد.

دو زبانه

دو زبانه [bailiŋgwəl] adj. دو زبانه

اگر کسی دو زبانه باشد، آنها می توانند دو زبان صحبت کنند.

→ از آنجا که قبلا انگلیسی را می شناسید، پس از یادگیری فرانسوی شما دو زبانه خواهید بود.

شبیه

کلون [kloun] n. شبیه

یک کلون یک کپی یکسان از یک موجود زنده است.

→ دانشمندان اخیرا یک کلون از گوسفند ساخته اند.

محاوره ای

گفتگو [kəloukwiəl] adj. محاوره ای

گفتمان کلمات غیر رسمی را توصیف می کند که برای سخنرانی مناسب تر از نوشتن هستند.

→ من در صورت استفاده از زبان گفتار، مردم را درک می کنم.

لوازم آرایشی

لوازم آرایشی [Kɒzmetiks] n. لوازم آرایشی

لوازم آرایشی ها مواد هستند که صورت و پوست را زیبا تر می کند.

→ دختران اغلب به نظر می رسد بهتر از زمانی که از بسیاری از لوازم آرایشی استفاده نمی کنند.

خط تیره

داش [dæʃ] v. داش

به Dash به معنی اجرای یا حرکت سریع است.

→ هلن پله ها را تسخیر کرد، بنابراین او برای قرار ملاقات او دیر نخواهد شد.

انزجار

انزجار [disghst] n. انزجار

انزجار احساس ناراحتی و خشم ناشی از چیزی بی ادب یا ناخوشایند است.

→ او احساس نفرت را نسبت به تاریخ خود احساس کرد، زیرا او چنین عادت های خوردن وحشتناک داشت.

فلورسنت

فلورسنت [fluəresnt] adj. فلورسنت

اگر چیزی فلورسنت باشد، این یک رنگ روشن است که به نظر می رسد نور را خاموش می کند.

→ او کلمات کلیدی را در سند با یک قلم زرد فلورسنت برجسته کرد.

خشمگین

خشمگین [fjuəriəs] adj. خشمگین

اگر خشمگین هستید، شما بسیار عصبانی هستید.

→ پدر من خشمگین بود وقتی که او گزارش مدرسه بد من را بخواند.

خلیج

خلیج [gʌlf] n. خلیج

خلیج فارس شکاف بین افرادی است که یکدیگر را درک نمی کنند.

→ خلیج فارس بین جیمز و تونی بوده است، زیرا والدینشان فوت کردند.

علوم انسانی

علوم انسانی [HJU: Mænətiz] n. علوم انسانی

علوم انسانی موضوعی هستند که ایده های انسانی را تجزیه و تحلیل می کنند، مانند تاریخ و ادبیات.

→ جنیفر همیشه بیشتر به علوم انسانی علاقه مند بوده است.

گره

گره [nɒt] n گره

یک گره زمانی ساخته شده است که شما انتهای طناب یا طناب را با هم ترکیب کنید.

→ او گره را در لباس های خود گره خورده است، بنابراین آنها در طول مسابقه نمی آیند.

زبانشناس

زبان شناس [liŋgwist] n. زبانشناس

زبان شناس کسی است که زبان ها را مطالعه می کند.

→ تونی یک زبان شناس خوب است و چهار زبان مختلف صحبت می کند.

شرکت کننده

شرکت کننده [pɑːrtisəpənt] n. شرکت کننده

یک شرکت کننده کسی است که در یک رویداد یا رقابت اجتماعی پیوست.

→ هزاران نفر از شرکت کنندگان در ماراتن امسال وجود داشتند.

محتمل

قابل قبول [plɔːzəbəl] adj. محتمل

اگر چیزی قابل اعتماد باشد، منطقی یا امکان پذیر است.

→ این قابل اعتماد است که جک امروز اینجا نیست زیرا او بیمار است.

مراسم

مراسم [ritjuəl] n مراسم

یک مراسم یک سفارشی رسمی است که مردم به طور مرتب انجام می دهند.

→ کن بسیار علاقه مند به یادگیری در مورد مراسم مذهبی بومیان بود.

خواهر و برادر

خواهر و برادر [sibliŋ] n. خواهر و برادر

خواهر برادر برادر یا خواهر است.

→ جین دو خواهر و برادر، یک برادر بزرگتر و یک خواهر کوچکتر دارد.

لاغر

لاغر [Skini] adj. لاغر

اگر کسی لاغر باشد، آنها بسیار نازک هستند.

→ پولی بسیار لاغر است. من فکر می کنم او نیاز به خوردن بیشتر دارد.

مبهم

مبهم [veig] adj. مبهم

اگر چیزی مبهم باشد، روشن نیست، و جزئیات آن بسیار کم است.

→ من از او در مورد سلامت مادرش پرسیدم، اما او در مورد آن بسیار مبهم بود.

دوقلوها

کتی و آلیس دوقلو بودند. آنها خیلی شبیه بودند که تعداد کمی از مردم می توانند به خواهران و برادران جدا شوند. آنها تقریبا مثل کلون بودند. آنها حتی از همان زبان کلاسیک به عنوان یکدیگر استفاده کردند. آنها بهترین دوستان بودند.

اما ویژگی های دوقلوها همه یکسان نیستند. آلیس دوستانه علوم انسانی بود، و کتی یک زبان شناسان خوب بود. یک تابستان، کتی تصمیم گرفت تا یک شرکت کننده در یک اردوگاه تابستانی در فرانسه باشد. آلیس به زبان فرانسوی علاقمند نبود، پس او رفت. اما او احساس کرد عصبانی شد که کتی می خواست تابستان را از او دور کند.

دو ماه بعد، کتی برگشت. آلیس به این فرودگاه به خواهر خود احترام می گذارد. اما زمانی که آلیس کتی را دید، او شگفت زده شد. Katie در حال حاضر دو زبانه بود، و او به طور کامل متفاوت بود! او لباس های زیبا، لوازم آرایشی و پوشیدن پوست را پوشانده بود. آلیس احساس بسیار کثیف در کنار او. او فقط پوشیدن تی شرت فلورسنت بود، و موهایش در آن گره خورده بود.

هنگامی که آلیس از کتی درباره فرانسه خواسته بود، کتی مبهم بود و خیلی حرف نزده بود. این آلیس خشمگین شد و او را با انزجار پر کرد، زیرا در گذشته آنها همیشه همه چیز را به یکدیگر گفتند. در حال حاضر خلیج بزرگ بین آنها وجود دارد. در طول هفته ها، خواهران حتی کمتر صحبت کردند.

دو ماه بعد، تولد دوقلوها بود. تمام زندگی آنها، آنها مراسم را داشتند. قبل از تولدشان، آنها همه شب ها را طولانی گفتند. در آن شب، آلیس به اتاق خواب کتی رسید.

کتی گفت: "من متاسفم که من اخیرا صحبت نکرده ام."

"من میفهمم. آلیس، عصبانی گفت: شما دوستان جدیدی دارید. "

کتی گفت: "دوستان فرانسوی من امروز خیلی نوشتند. برای مدتی، فکر کردم آنها هیجان انگیز تر از دوستان من در خانه بودند. اما من اشتباه می کردم. شما خواهر من هستید، و همیشه بهترین دوست من هستی. "

آلیس گفت: "من هم متاسفم. من می خواستم رابطه ما را برای همیشه باقی بماند. اما این کاملا قابل قبول برای دوقلوها برای داشتن منافع مختلف است. ما هنوز هم می توانیم بهترین دوستان بدون هماهنگی با هم باشیم. "